

## همگرایی و همسایگی؛ نظریه ای مطلوب برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

رحمت عباس تبار مقری<sup>۱</sup>، عبدالله اختری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

### چکیده:

سیاست خارجی به معنی دنبال کردن منافع کشور در سطوح بین‌المللی و در رابطه با جوامع، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی، راهنمای موضع‌گیری است؛ و مجموعه‌ای از اهداف بین‌المللی و راه‌های رسیدن به آن‌ها را شامل می‌شود. سیاست خارجی کشورهای مختلف، با هم متفاوت است. مدل جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد راهبردها در سیاست خارجی، مبتنی بر راهبرد همگرایی و همسایگی است. ضرورت و هدف این نوشتار، معرفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و همچنین شناخت راهبرد همگرایی و همسایگی است و نیز پاسخ به این سوال که نظریه مطلوب برای سیاست خارجی چیست؟ پژوهش موجود داده‌های لازم را از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل وقایع و رخدادها در سطح بین‌الملل استخراج می‌کند. در این پژوهش از روش نظری با ماهیت داده‌های کیفی به مطالعه متون پرداخته و با برگزیدن گزاره‌های مختلف به جمع‌بندی مطالب می‌پردازد. یافته‌های پژوهش و فرضیه‌های آن است که در سیاست خارجی ایران عواملی چون: ترجیحات اقتصادی، نظم عادلانه در روابط بین‌الدول و ایجاد یک قدرت انضباطی برای جلوگیری از هرج و مرج‌های منطقه‌ای با توجه به گزاره نظم نوین جهانی و خروج از نظام تک قطبی مؤثر است.

### واژگان اصلی:

سیاست خارجی، مطلوبیت، جمهوری اسلامی ایران، همگرایی و همسایگی، روابط بین‌الملل

r.abbastabar@umz.ac.ir

<sup>۱</sup> دانشیار علوم سیاسی و عضو هیات علمی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

ebadakhtri1366@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه مازندران.

## ۱- بیان مسئله

بعد از انقلاب اسلامی روابط خارجی ایران با کشورها دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است و در بیشتر موارد روابط با اقدامات راهبردی همراه نبود و چه بسا در برخی مواقع از جهت‌گیری‌های ائتلافی به سمت واگرایی هم پیش رفته است؛ در زمان فعلی ایران با کاربست سیاست خارجی همگرایی و همسایگی، اتحاد و ائتلاف به دنبال شکل‌گیری نظم نوین جهانی و زیر سوال بردن نظام تک قطبی است و به سوی نظم مطلوب پیش می‌رود. چرا که در سیاست خارجی می‌بینیم ایران حتی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی را برای برقراری روابط به منظور بهره‌برداری مطلوب انتخاب کرده است؛ لذا جدای از بحث همسایگی، همگرایی دیگر از اصول سیاست خارجی ایران است.

یکی از مواردی که در علم سیاست مورد نگرش قرار می‌گیرد اصول سیاست خارجی کشورها در روابط بین‌المللی است. قاعدتاً دولت‌ها مسئولیت تدوین و اجرای آن را بر عهده دارند اما تحقق سیاست خارجی زمانی می‌تواند به مرحله اجرا درآید که دولت‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و فرهنگی موفقیت‌هایی را کسب کرده باشند. جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب تا به حال توانسته است توانمندی‌های خود را در برخی از عرصه‌ها به اثبات برساند و با شناخت و در نظر گرفتن همین توانمندی‌ها به سمت همگرایی و همسویی با دیگر کشورها قدم بر دارد.

سیاست خارجی ایران با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی تعریف شده است و بر مبنای نفی سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و روابط صلح‌آمیز با دولت‌هاست.

در طی چند دهه گذشته به دلایلی چون: عدم توازن قدرت در مقابل قدرت‌های حاضر در منطقه مانند آمریکا و اتحادیه اروپا، عدم تمایل کشورهای منطقه به برقراری روابط گسترده با ایران به دلیل عدم جذابیت‌های همکاری و همچنین وضع تحریم‌های گسترده علیه ایران، سیاست خارجی محدود بود و عملاً سیاست اثرگذار نبود و سیاست موفقیت آمیزی نداشته است؛ اما از دهه ۹۰ تا به حال با ایجاد فرصت‌های امنیتی و نظامی که باعث کاهش تهدیدات و چالش‌ها می‌شود و فرصت‌های اقتصادی چون ذخایر انرژی، فرصت ترانزیتی، معادن عظیم فلزات و حضور پررنگ در بازارهای جهانی به نوعی گرایش را به سمت کشور ما متصور ساخته است (حجتی، ۱۳۹۵: ۴۱).

رویکرد فعلی جمهوری اسلامی مبتنی بر پیشرفت در ابعاد سیاسی و اقتصادی است و به دنبال آن است که

مواضعی را که در راستای دستیابی به این موضوع است وضع نموده و در صورت ایجاد فشار تا حدودی تعدیل نماید. دیپلماسی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی برای تامین منافع ملی است. هرچند برخی معتقدند که پایان دیپلماسی و سیاست جنگ است اما باید افزود که در حین جنگ نیز دیپلماسی ابزار کارآمدی است و وظیفه اصلی آن کسب حمایت و مشروعیت بین المللی است (کاظمی، ۱۳۳۸: ۶۹).

جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح موقعیت و ارزیابی درست از منافع ملی و امکانات دولت خود و حتی پیش بینی رفتارهای احتمالی از سوی کشورهای مداخله گر، شیوه مناسبی را جهت تحقق اهداف سیاست خارجی خود به کار گرفته است و آن شیوه نگاه همگرایی و همسایگی است. البته توفیق در دیپلماسی به متغیرهای مختلفی بستگی دارد که اشاره به همه موارد در این مقاله نمی گنجد اما به اختصار مواردی را به صورت موردی مطرح می کنیم به عنوان مثال افزایش قدرت تکنولوژیک به عنوان فعال نمودن موسسات دانش بنیان و خودکفایی در کالاهای اساسی و مورد نیاز یکی از متغیرهاست. افزایش قدرت نظامی در راستای بازدارندگی از وقوع جنگ های احتمالی از سوی قدرت های استعمارگر نقش تعیین کننده را به عنوان یکی از بازیگران منطقه ای ایفا می کند. ورود به اتحادیه های اقتصادی مانند بریکس و پیمان شانگهای و همگرایی با قدرت های نوظهور که بر پایه ارتباطات نزدیک ساختارها و سیاست های اقتصادی شکل گرفته است و عمدتاً بر پایه تبادلات اقتصادی و تکنولوژیک و مالی استوار است چشم انداز بسیار روشنی را در برابر جمهوری اسلامی قرار داده است. دولت ها در صحنه نظام بین الملل اهداف متعددی را دنبال می کنند که این اهداف بیانگر خواسته ها و نیازهای آنها است و عنصر قدرت تحمیل کننده این اهداف بر نظام است. به همین جهت هرچه دولتی قدرتمندتر باشد نقش مهم تری در شکل گیری نظام بین الملل دارد. علاوه بر اهداف خرد سیستمی، نظام بین الملل دارای اهداف عامی چون بقا و تداوم نظام همراه با ساختارها و فرایندها و پارامترهای موجود است؛ به همین جهت در برابر هر وضعیت بی ثبات کننده مقابله می کند (رضایی، ۱۴۰۰: ۲۰).

مطلوبیت سیاست خارجی همسایگی و همگرایی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن موارد ذیل تعریف می شود:

#### ۱. ترجیحات اقتصادی

۲. رفع نابرابری پس از جنگ های جهانی در کشورهای جهان و نظم عادلانه بین المللی.

۳. ایجاد قدرت انضباطی و جلوگیری از آنارشی

۴. ایجاد تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی با حضور قدرت‌های نوظهور

در بررسی ادبیات پژوهش، تحقیقی با مضمون "مطلوبیت سیاست خارجی همسایگی و همگرایی" مشاهده نشده است، اما تک‌نگاره‌هایی در باب همگرایی دیده می‌شود. در این مقاله سعی می‌شود مهمترین مولفه‌های سیاست خارجی را با شاخصه‌های همگرایی و همسایگی استخراج و به عنوان راهبرد مدنظر قرار گیرد. در کتاب «سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: الزامات و بایسته‌ها» (۱۴۰۰)، الزامات دیپلماسی در پیشبرد سیاست همسایگی (دکتر شاپوری)، تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و پیشبرد سیاست همسایگی، الزامات سیاستگذاری داخلی در سیاست همسایگی، نقش و تاثیر سیاست همسایگی مطلوب در مقابله و کاستن از هزینه تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های یکجانبه آمریکا متمرکز شده است. در مقاله «کاربست نظریات همگرایی در طراحی مدل همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۶)، از نظریات همگرایی در منطقه جغرافیایی ایران و همسایگانش بهره برده است و با اشاره به مدلی برای تبیین این همگرایی به طراحی مدلی سه وجهی در دسته بندی روابط ایران با کشورهای همسایه در حوزه‌های مفاهمه، معامله و مقابله نموده است. همچنین در مقاله «ثوری همگرایی و جایگاه ایران» (۱۳۸۵)، نشان می‌دهد که کل کشورهای جهان، دونقطه همگرایی، کشورهای ثروتمند و کشورهای کم درآمد دارند و به نظر می‌رسد ایران به کشورهای کم درآمد گرایش پیدا کرده است.

## ۲- چارچوب نظری و مفهومی

### ۲-۱- سیاست خارجی

کشورها به وسیله سیاست خارجی با دنیایی خارج ارتباط برقرار می‌کنند. مجموعه خط مشی‌ها و سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که توسط دولت مردان اعمال می‌گردد و عرصه تحقق آن در ماورای مرزهای ملی است سیاست خارجی می‌نامند. این مفهوم از میان روابط بسیار گوناگونی که یک کشور ممکن است با جهان خارج داشته باشد تنها دربرگیرنده آن دسته از روابطی است که دولت‌ها کارگزاران آن هستند؛ بنابراین روابط افراد گروه‌ها و سازمان‌ها با سایر دولت‌ها در تجزیه و تحلیل

سیاست خارجی قرار نمی‌گیرد (مقتدر، ۱۳۸۱: ۶۵).

در برخورد با مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و منافع ملی، تصمیماتی اتخاذ می‌شود. در عرصه روابط بین‌الملل سیاست خارجی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین دولت‌ها سعی می‌کنند سیاست‌های خود را به گونه‌ای به کار بندند که بهترین وجه منافع ملی را تامین کند. گفتنی است که دولت‌ها همچنان که می‌توانند بر جامعه بین‌الملل اثرگذار باشند از آن نیز اثر می‌پذیرند پس نمی‌توان بدون توجه به جامعه جهانی اهداف و منافع داخلی را پیگیری کرد. در قلب سیاست خارجی علاوه بر تامین امنیت مصالح عمومی که تمامی شئون فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. در عرصه روابط بین‌الملل سیاست خارجی کشورها جایگاه ویژه‌ای و مهم دارد. نظام‌های سیاسی می‌توانند با اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها، منافع ملی خود را تبیین نمایند؛ ضمن اینکه سیاست‌های مختلف، انعکاسی از خواسته‌ها و نیازهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیت جامعه می‌باشند (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱).

اصل سیاست خارجی ایران بر اساس توازن است. سیاست خارجی کشورها در عین حال که از اصول ثابتی برخوردار است، می‌بایست تحولات در سطح بین‌الملل را در رصد داشته باشد. هنر سیاست‌گذاری در جمع بین این دو نهفته است. تامین منابع اقتصادی، حفظ اعتبار ملی، بسط قدرت ملی و تضمین تمامیت ارضی کشور جزء اساسی سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی است. گرچه حفظ شان و اعتبار ملی از اهداف عمده سیاست خارجی به شمار می‌آید؛ اما تضمین رشد و رفاه اقتصادی نیز مستلزم مشارکت فزاینده در تجارت جهانی و منطقه ای است.

در عصر ارتباطات امروز، «تصویر سازی» بسیار مهم است. بنابراین کوشش در ایجاد و حفظ تصویر احترام آمیزی از کشور در سیاست‌گذاری خارجی دولت‌ها همواره در نظر بوده است. از لحاظ بسط قدرت ملی نیز در عصر حاضر منابع قدرت بسیار متنوع محسوب می‌شوند. طبعاً برای اجرای سیاست خارجی، برخورداری از منابع قدرت لازم است؛ اما اجرای سیاست خارجی مستلزم ابزارهای گوناگون است. ابزارهای سیاسی چون مذاکرات رسمی، عقد قرار داد‌های، برقراری یا قطع روابط، اعلام حمایت سیاسی و بی طرفی و نظایر آن است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

## ۲-۲- همگرایی

کلمه همگرایی در سطوح مختلف از جامعه ملی تا منطقه‌ای و جهانی مطرح می‌باشد و آثار آن در روابط میان دولت‌ها به خوبی ظاهر می‌شود. همگرایی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار خویش برای رسیدن به اهداف مشترک صرف نظر کرده و از یک اراده فوق ملی پیروی می‌کنند. (کاظمی، ۱۳۷۵: ۲۰) دولت‌های مستقل بنا به میل و اراده و با عقلانیت و آگاهی کامل از معنی و مفهوم تعهدات و حقوق متقابل به آن می‌پیوندند. در این نوع همگرایی زور محلی از ارعاب ندارد و بر اساس ایجاد روابط صلح‌آمیز در جهت نیل به یک دنیای سالم برای رفاه شهروندان سود می‌جویند (قوام، ۱۳۷۵: ۲۲۲).

با توجه به موارد مطروحه در سطور بالا همگرایی بیانگر شرایطی است که در آن سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دستگاه‌های ارتباطی و نظام‌های مختلف به حدی به هم نزدیک می‌شوند که سیستم جدیدی را جایگزین سیستم قبلی می‌نمایند و رفتار بازیگران در همان قالب شکل می‌گیرد. نظریه پردازان عرصه سیاست بین‌الملل معتقد به وجود سه نوع همگرایی در نظام بین‌الملل می‌باشند. الف- جهانی یا یونیورسالیسم که همزمان با دوران رنسانس در قرن ۱۶ روابط بین کشورهای مستقل اروپایی گسترش یافت و با اندیشه جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح جهانی پا را از مرزهای ملی فراتر گذاشته و فلسفه ایجاد حکومت واحد جهانی را مطرح کردند. (منصفی، ۱۳۸۵: ۹۳) به نظر نگارنده و با یک نگاه سطحی به ساختار نظام بین‌الملل می‌توان دریافت که دولت‌های ملی در عصر حاضر حتی کوچکترین آنها ترجیح می‌دهند که هیچ کشوری در حاکمیت و استقلال آنها اعمال نفوذ نداشته باشد مانند کشور نیجر که جدیداً به دنبال استقلال و خارج شدن از یوغ استعماری فرانسه است.

ب) همگرایی فدرالیسم: ادغام و وحدت سیاسی ارادی و اختیاری که این اتحاد و وحدت میان دولت‌ها بر اساس وجود یک نوع قانون اساسی است که در آن دولت‌های شرکت کننده ملزم به اجرای مفاد آن هستند و در چهارچوب فوق ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. (قوام، ۱۳۷۵: ۲۲۶) به طور کلی می‌توان گفت آنچه که این نظریه را قوام می‌بخشد وجود یک ایدئولوژی است که محور وحدت سیاسی قرار می‌گیرد؛ مانند ایدئولوژی لیبرال دموکراسی در کشورهای غربی که نشانگر نوعی همگرایی فدرالیسم است.

ج): همگرایی منطقه‌ای: جدای از موارد نظامی، اقتصادی و ژئوپولیتیکی که باعث به وجود آمدن مناطق مشخص می‌گردد، وجود عوامل کم و بیش پایداری چون فرهنگ، زبان، مذهب و نژاد خود باعث نوعی پیوند و ادغام و همگرایی است. فلسفه همگرایی منطقه‌ای بر این مبنا استوار است که نیل به وحدت جهانی در شرایط جهانی امروز بسیار بعید و غیر قابل تحصیل است و باید با بسیج نیروهای پیوند دهنده منطقه‌ای زمینه حصول به آرمان متعالی را فراهم ساخت (کاظمی، ۱۳۳۸: ۱۰۶).

### ۲-۳- همسایگی

زمانی که با دید جغرافیایی به ایران می‌نگریم ایران سرزمینی است در غرب آسیا با وسعت ۱/۶۴/۱۹۵ کیلومتر مربع و هفدهمین کشور جهان که از شمال به کشورهای ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، و روسیه و ترکمنستان، از غرب به عراق و ترکیه از شرق به افغانستان و پاکستان و از جنوب به دریای عمان و کشورهای عربی چون کویت، عربستان، عمان، قطر، بحرین و امارات متحده عربی همسایه می‌شود. منطقه غرب آسیا به دلیل واسط بودن بین سه قاره آسیا اروپا و آفریقا اهمیت مضاعفی دارد. ایران در این منطقه ژئوپلیتیکی قرار دارد؛ به هر حال هر نوع واقعه‌ای که در این قاره‌ها به وقوع پیوندد بر روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران تاثیر خواهد گذاشت (مینایی، ۱۳۸۱: ۳۲).

سیاست همسایگی به مفهوم غالب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. سیاست همسایگی یک کنش نرم افزاری مبتنی بر تفکر و طراحی با هدف شکل دادن به نوعی درهم تنیدگی در ابعاد مختلف و فراتر رفتن از همسایگی در مفهوم فیزیکی و جغرافیایی آن و روابط دو جانبه با همسایگان است. به طور طبیعی کشورها بیشترین تعامل مثبت یا منفی را با همسایگان خود دارند و منافع آنها اقتضا می‌کند که بخش مهمی از سیاست و تدابیر خود را با همسایگان هماهنگ کنند. اگرچه همسایگان یک کشور می‌توانند بزرگترین تهدید برای تمامیت ارضی کشورها و حاکمیت باشند اما در چارچوب مناسب هم می‌توانند به دوستان راهبردی تبدیل شوند (شیر غلامی، ۱۴۰۰: ۵۱).

### ۳- مدل جمهوری اسلامی ایران

در روابط بین‌الملل لزوماً باید یک نظریه را در نظر بگیریم تا با استفاده از بنیان‌ها و اصول به بررسی و تحلیل و پاسخ به سوالات برسیم. جمهوری اسلامی بنا به سرشت خود هم دارای برخی ویژگی

های عام مشترک با دیگر نظریه هاست که امکان دسته بندی و مدل سازی را می دهد، و هم دارای ویژگی های خاص است. بنابراین در این مقاله هم از نظریه وابستگی متقابل برای پیشبرد اصول سیاست خارجی استفاده می کنیم. این نظریه، یک تفکر ضد ناسیونالیستی است و جمهوری اسلامی ایران با تفکر انترناسیونالیستی به دنبال کاهش آسیب‌ها و هزینه‌ها و افزایش قدرت فرامطقه‌ای است. در همگرایی منطقه‌ای و فرامطقه‌ای ایجاد شده، نظریه وابستگی متقابل را می توان برای تشریح حدود و ثغور متن به کار بست.

براساس این الگو هر چه تقسیم کار بین المللی میان کشورها بیشتر باشد، احتمال جنگ کمتر می شود و صلح تضمین می گردد. میزان همبستگی میان کشورها بر حسب انواع، میزان و فاصله زمانی تعاملات سنجیده می شود. دو الگوی فرعی در آن عرضه می شود؛ یکی «همبستگی حداقلی» که در آن کشورها خود مختار، خودکفا و بی نیاز از یکدیگرند و هیچ کشوری در امور کشور دیگر دخالت ندارد که در این حالت صلح منفی تضمین می شود. دوم الگوی «همبستگی حداکثری» بر حسب میزان و دامنه تعاملات که کشورها با یکدیگر دارای انواع تعاملات (اقتصادی، سیاسی، نظامی) هستند. در نتیجه تمایل به صلح مثبت گسترش پیدا می کند. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۳۷) ایران در این همبستگی به دنبال احیای مدل دوم است تا از انزوای حاصله پس از انقلاب اسلامی خارج گردد.

خیلی از نظریه پردازان داخلی که معتقدند ایران در سیاست خارجی فعلی نظریه بازی بازی با حاصل جمع صفر را برگزیده است که در آن برد یکی به منزله باخت دیگری است؛ بالعکس به نظر نگارنده ایران در سیاست خارجی فعلی خود بازی با حاصل جمع متغیر را پذیرفته است چرا که در سیاست خارجی های اعمالی خود تعارض بر سر منافع بازیگران وجود ندارد بلکه اگر کشوری امتیازی را کسب کرد در مقابل امتیازی را کسب می کند. چنین تلاشی که در آن دولت‌ها برای کسب منافع ملی در عرصه جهانی دارند می تواند ساختار اتحادیه را قوام بخشد و با یک انتخاب منطقی بالاترین بازدهی را داشته باشند.

### ۱-۳- شاخص های راهبردی سیاست خارجی همگرایی و همسایگی

سیاست همبستگی مناسب و به تبع آن همسایگی و همگرایی یک الگو و مدل بومی برای ایران امری مهم بوده . با گذشت زمان اهمیتی مضاعف یافته است. تا جایی که امروز به عنوان راهبرد اصلی

سیاست خارجی کشور است. با وجود کارکرد و آثار مثبت سیاست همسایگی و همگرایی، منطقه غرب آسیا و خلیج فارس از همگرایی و همکاری‌های مفید و موثر میان همسایگان بهره‌چندانی نبرده بود و حتی برخی نهادهای متضاد با این مدل به وجود آمده‌اند. یکی از دلایل عدم موفقیت سیاست، کاربست نظریات غربی و غیر بومی روابط بین‌الملل است. مشکل دیگر رویکرد‌های بعضاً سلبی همسایگان در قبال یکدیگر و مهمترین عامل مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در شکل‌گیری آن است. تحصیل حداکثری منافع ملی و گسترش دایره آن و متعاقب آن کاستن هزینه‌ها در سطوح مختلف، مستلزم فهم درست محیط پیرامونی و به کارگیری سیاست خارجی مناسب با آن در تمامی عرصه روابط خارجی است (گوهری مقدم، ۱۴۰۱: ۵۸).

ثقل جغرافیایی و اتصال تاریخی، فرهنگی با ملت‌های منطقه، ایران را در مرکز پنج زیرسیستم مهم منطقه‌ای شامل شامات، قفقاز، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و خلیج فارس قرار داده است. از این دیدگاه، ایران می‌تواند نقطه ادغام اقتصادی و تجارت کوچک‌تر بین بنادر دریای سیاه و خلیج فارس و جذابیت‌های تبادلات اقتصادی و نگاه توریستی باشد. اتصال ریلی با عراق، سوریه، لبنان تا مدیترانه، مسیری دیگر در ادغام اقتصادی است. تبادلات اقتصادی زمینی، ریلی و دریایی در حوزه خزر و آسیای مرکزی و افغانستان و اتصال آن با کشورهای آسیای جنوبی، پاکستان، هند و هم‌زمان تجارت دو جانبه با کشورهای حوزه خلیج فارس مانند عمان، کویت و قطر که دیدگاه تعادلی در خصوص روابط ایران دارند؛ همگی می‌توانند بخش اعظم ظرفیت فراموش شده را فعال کند (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۸۶).

## ۲-۳- ترجیحات اقتصادی

قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در میان دریای خزر و خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین مناطق نفت‌خیز جهان از یک سو، عدم ثبات و پایداری در کشورهای همجوار مانند عراق و افغانستان از سوی دیگر موجب شده تا اهمیت ایران در معادلات ژئوپلیتیک جهان و منطقه افزایش یابد. وجود منابع عظیم نفت و گاز در جنوب و شمال ایران، وجود تنگه استراتژیک هرمز در آب‌های ایران موجب شده تا از موقعیت ممتازی در منطقه برخوردار باشد (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۹).

از لحاظ اقتصادی و علمی، ایران با آماده‌سازی زیربنای فنی و علمی با کمک دانش بنیان‌ها و همچنین توسعه نیروی انسانی کارآمد در جهت توسعه بیشتر، گام‌های اساسی را برداشته است و به نوعی در حال

گذار از اقتصاد سنتی به مدرن می‌باشد. در این دهه با هدف تثبیت در امر سرمایه‌گذاری و گذار از یک اقتصاد بیمارگونه (اقتصاد تک محصولی) به دنبال تقویت بخش‌های خصوصی و همچنین تشکیل صندوق ذخیره ارزی هم برآمده است. جمهوری اسلامی ایران با تغییرات اساسی در بودجه، نظام بانکداری و مالیاتی در داخل و همچنین حضور در سازمان‌های اقتصادی مانند بریکس و شانگهای در خارج، تلاش کرده است تا سیستم اقتصادی کارآمد در کشور به وجود آورد.

در دوران جدید گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با همه کشورهای منطقه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی بسیار چشمگیر بوده است. با مطالعه اوضاع کشورهای آسیایی-پاسیفیک و یافتن روندهای اساسی که در شکل دادن به جو استراتژیک و ژئو است؛ در ارائه تصویری درست از مسائل حال و آینده منطقه نقش خواهد داشت و برای همه کشورهای غرب آسیا به طور اعم و برای جمهوری اسلامی به طور اخص اهمیت حیاتی دارد. ایران همیشه به خاطر قرار گرفتن بر سر راه ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا از موقعیت استراتژیک مهمی برخوردار بوده و با فروپاشی شوروی و آزادی جمهوری‌های آسیایی مرکزی این اهمیت افزایش یافته است. اکنون ایران موقعیت سوق الجیشی هزار ساله‌ای را که در قرن نوزدهم و بر اثر تعرضات نظامی و تحمیل قراردادهای نابرابر توسط روسیه تزاری و در قرن بیستم در نتیجه فشارهای جماهیر شوروی از دست داده بود باز یافته است (امیدوارنیا، ۱۳۷۲: ۴).

اگر فرض کنیم ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای جهت ایجاد حوزه بزرگ اقتصادی صورت گیرد باید این حوزه متضمن موارد ذیل گردد:

- ۱- سیستم مشترک تامین انرژی که این مستلزم توزیع استراتژیک انرژی و ایجاد سیستم مشترک توضیح انرژی است.
- ۲- تعاونی کردن رشته‌های فعالیت اقتصادی و تولیدی بزرگ، هماهنگی و اشتراک مساعی در حل بهره‌برداری منطقی از توانایی تولیدی.
- ۳- توسعه همکاری و هماهنگ کردن قیمت‌ها در ارتباط با منابع انرژی (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۸۷).
- ۴- ایجاد یک سیاست مشترک گمرکی
- ۵- ایجاد پول واحد و یا تبادل پولی بین کشورها بر اساس ارز کشورها و حذف دلار از تبادلات اقتصادی.

اهمیت منابع اقتصادی منطقه خلیج فارس و وابستگی شدید آمریکا و اروپا و ژاپن به منابع انرژی این منطقه و علم به اینکه ایران با ثبات‌ترین و قدرتمندترین کشور منطقه است و با داشتن سواحل طولانی شمال خلیج فارس و در اختیار داشتن جزایر بسیار مهم لارک، قشم، هنگام، جزایر سه گانه و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز این کشور از موقعیت برتر جغرافیایی برخوردار ساخته است.

### ۳-۳- ایجاد تفاهم نامه های بین المللی

استراتژی اتحاد و ائتلاف به معنای پذیرش اصل تعهد نسبت به سایر کشورها در سیاست خارجی یک کشور است. این تعهد می‌تواند دارای ابعاد نظامی و امنیتی، اقتصادی، سیاسی و یا حتی فرهنگی باشد. بر اساس این استراتژی تحقق اهداف و منافع ملی کشور در گرو ادغام توانایی‌های کشور با توانایی‌های برخی از کشورهاست. لذا سیاست تشکیل اتحادیه یا بلوک می‌تواند ضامن و پشتوانه اجرایی مناسبی برای پیشبرد برنامه‌های سیاست خارجی دولت‌ها باشد. هدف‌ها و منافع مشترک یا تهدید و خطر مشترک زمینه‌ساز اتخاذ این استراتژی‌هاست (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۸۱).

بر اساس منابع روابط بین الملل، سطح روابط میان کشورها را با شاخص‌هایی چون هماهنگی، همکاری، ائتلاف، همگرایی و در نهایت اتحاد تعریف می‌شود. اتحاد درجه مهمی از همسویی چند کشور برای رسیدن به اهداف مهمی چون حاکمیت ملی، دفاع از تمامیت ارضی و... است که غالباً در حد همکاری کفایت؛ اما برای یک امنیت جمعی چه از لحاظ اقتصادی و چه منافع ملی احتیاج به ائتلاف دسته جمعی است. در سال‌های اخیر بحث‌هایی چون نفت و گاز، توسعه ناتو به سوی شرق، تلاش جهت یافتن ساز و کاری مناسب برای جلوگیری از سلطه آمریکا بر امور جهانی، سازمان همکاری شانگهای تلاش‌های مضاعفی را برای ارائه مکانیسم‌هایی به عنوان گسترش اعتمادسازی میان اعضا انجام داد (قاضی و طالبی، ۱۳۸۸: ۲۳).

یکی از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توسعه روابط با کشورهای همسایه است و از آنجا که بیشتر کشورهای همسایه ایران کشورهای اسلامی هستند اهمیت گسترش ایران روابط برای دولتمردان و سیاستگذاران دوچندان است. ایران با استفاده از فعال نمودن سازمان‌های منطقه مانند اوپک (OPEC)، اکو (ECO) و گروه دی ۸ (D8) به دنبال تقویت مطلوبیت اقتصادی است.

جمهوری اسلامی ایران با نگاه به کشورهای شرقی و همچنین برخی اوقات کشورهای آفریقایی جنوبی و آفریقایی به عنوان نگاه همگرایانه و با کشورهای همسایه با نگاه همسایگی به دنبال رفع مشکلات درونی و بیرونی است. ایران که تا چندی پیش به عنوان عضو ناظر در پیمان شانگهای بود به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین ارتقاء پیشرفت‌های علمی و اقتصادی به عضویت دائم این پیمان درآمد. سیاست نگاه به شرق را می‌توان یک نگاه تاکتیکی هم دانست؛ چرا که یکی از هرم‌های مکانیزم تنظیم مناسبات جهت رفع تحریم‌ها و گذار از جنگ اقتصادی بوده است.

ایران به عنوان حلقه واسط بین آسیای مرکزی و اروپا عمل می‌نماید. بدین ترتیب هر چهارچوب منطقه‌ای که بتواند این امر را تسهیل کند می‌تواند در راستای منافع ایران تلقی گردد. سازمان شانگهای در چهارچوب مشخص می‌تواند این مهم را تسهیل نماید. از طرفی دیگر ژئوپلیتیک ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه، رفتار سیاست خارجی و جهت‌گیری کلان آن را دیکته می‌کند.

در موضوع یک کمربند یک راه، روابط ایران و چین به سال‌ها قبل تر باز می‌گردد. همواره ایران و چین به عنوان دو قدرت بزرگ آسیایی با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. جاده ابریشم که از شهر شیآن واقع در جنوب غربی پکن آغاز و با عبور از ایران به دریای مدیترانه متصل می‌شد مورد توجه بوده است. راه ابریشم به عنوان روابط نزدیک دو کشور به ویژه در زمینه تجاری محسوب می‌شود. ابتکار یک کمربند یک راه در راستای راه ابریشم است و ایران در قلب آن قرار دارد که می‌تواند در تقویت روابط هرچه بیشتر ایران با چین موثر واقع شود.

#### ۴-۳- ایجاد نظم بین المللی

اگرچه بعد از پایان جنگ سرد و با فروپاشی نظام دو قطبی در پی یکسان سازی اقتصاد و فرهنگ و جهانی کردن آن بودند اما پایان قرن ۲۰ صف‌بندی‌های جدید و کاهش سلطه غرب، تمدن‌های غیر غربی بر شناساندن ظرفیت و استعدادها خود وارد مرحله جدیدی از نظم نوین جهانی شدند و مرحله‌ای از چند جانبه گرایی و مبارزه‌ای علیه تفکر جهانی شدن شکل گرفت. بنابراین در این میان فرهنگ‌ها و ملت‌هایی قادر خواهند بود که هویت خود را بشناسند که از آمادگی لازم برای ورود به عرصه جهانی را دارا باشند. جمهوری اسلامی فرصت فرصتی را در این عرصه پیدا کرد که با شناساندن تمدن عظیم اسلامی و ایرانی نوعی جدیدی از روابط بین‌الملل را به وجود بیاورد.

امروزه ایران بار دیگر امکان یافته است تا با بهره‌برداری از امکانات مواصلاتی جدید جهان و حتی تکیه بر اشتراکات منطقه‌ای مانند فرهنگ اسلامی به توسعه مناسبات دوستانه و گسترش همکاری‌های اقتصادی و علمی و فنی و معنوی با بخشی از سرزمین‌های آسیایی از طریق راه‌های زمینی از آسیای مرکزی تا چین و دریایی از اقیانوس هند تا اقیانوس آرام پردازد. تحقیق این امر مستلزم بررسی دقیق و مدبرانه تحولات و رویدادها و همچنین ریشه‌یابی مسائل و در پایان اتخاذ سیاست‌گذاری‌های آینده‌نگرانه است.

رنالیست‌ها به سیاست جهانی به مثابه روابط قدرت می‌نگرند. آنها معتقد بودند که سیاست‌های جهانی مثل سازمان ملل بر شکل خاصی از قدرت استوار است. زمانی که این تئوری در روابط بین الملل مطرح شد به طور طبیعی تاکید زیادی بر دولت‌ها می‌نمود. جهانی که رنالیست‌ها با آن مواجه بودند شکلی از دولت-ملت بود. با ظهور قدرت‌های بزرگ و هژمون و همچنین ظهور قدرت‌های نو و پیامدهای مخرب و ویرانگر جنگ که خمیرمایه تئوری رنالیست‌ها بود، دچار تزلزل شد. آنها دریافته بودند که نیروهای اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی شکل‌دهنده دولت‌ها و روابط بین دولت‌ها هستند. در چنین شرایطی بود که نظریه نئورالیسم شکل گرفت که در تلاش برای دستیابی به یک دانش و علم فرازمانی در مسیر متفاوتی به راه خود ادامه دهد. (کاکس، ۱۳۸۰: ۱۶).

نئورالیست‌ها با نگاه چندجانبه‌گرایی، ارزش‌ها، هنجارها و روش‌های تعامل را در میان نیروهای مختلف که در امور سیاسی جهان یا منطقه مشارکت دارند پدید می‌آورند. در این دیدگاه عناصر قدرتمند سلسله مراتبی به حیات خود ادامه خواهند داد. رهیافت فکری این نظریه در مورد آینده شکل‌های نهادی چندجانبه‌گرایی است و بر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آمده تاکید دارد (کاکس، ۱۳۸۰: ۱۸).

روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین، علاوه بر روابط دوستانه، سیاسی، اقتصادی و تجاری، راهبردی است. عمده کشورهای منطقه آمریکای لاتین، کشورهایی هستند که به دنبال آزادی خواهی و استقلال طلبی هستند؛ از این وجه دارای نگاه راهبردی با جمهوری اسلامی است. علاوه بر همگرایی در حوزه انرژی، مقابله با یکجانبه‌گرایی نظام هژمون در سیر تطور تاریخی این کشورها مشاهده می‌شود و امروزه بخشی از سیاست خارجی آن‌ها را درگیر کرده است. در چند سال گذشته

تعاملات فی مابین در حوزه های صنعتی، کشاورزی، علمی و فناوری، پزشکی و درمانی نیز به شکل مطلوبی توسعه یافته است. صدور خدمات فنی و مهندسی در گسترش و تقویت و همکاری ها با این کشورها موثر بوده است و ایران را در نزد چنین کشورهایی مقاوم در برابر آسیب های بین المللی می دانند. ایران در قبال کشورهای آمریکای لاتین با دو رویکرد سیاسی و اقتصادی سعی دارد تا با نفوذ در آمریکای لاتین ضمن توسعه و تحکیم روابط خود با کشورهایی که از خودشان تمایلات انقلابی نشان می دهند، در کنار آنها جبهه جدیدی را در صحنه جهانی علیه نظام ناعادلانه بین المللی ایجاد نماید (علی حسینی، ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۴۹)

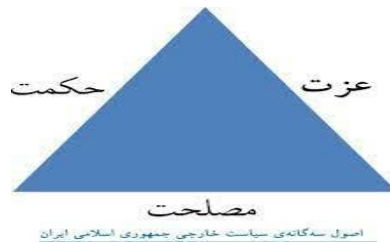
سیاست خارجی امروزه ایران نسبت به اکثر کشورها قالب همگرایی، ایجاد فضای حیاتی مناسب در برابر فشارهای تحریمی با انگیزه ی متنوع کردن مرکز همکاری های سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی است. جمهوری اسلامی ایران و علاوه بر همکارهای دو جانبه در سازمان های بین المللی و سازمان های مختلف منطقه ای نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، بانک توسعه اسلامی، جنبش عدم تعهد، گروه ۷۷، مبارزه بایابان زایی و ... هم دارای روابط موثری هستند. در حوزه روابط اقتصادی باید اذعان کرد در حال حاضر، توسعه و ارتقای مناسبات بازرگانی بخش مهم و اساسی است و معیاری عملی و واقعی برای دستگاه تصمیم گیری و مجریان سیاست خارجی تلقی می شود (موحدی قمی، ۱۳۸۸: ۷۵).

سیاست خارجی ایران در قبال این کشورها جدای از عمق راهبردی که ذکر شد به طرز چشمگیری بر پایه منافع انرژی کشورها به مثابه بنیانی برای همکاری های اقتصادی جهانی، ایجاد یک شبکه از هم پیمانان اقتصادی بنا نهاده شده است؛ به طوری که می توان گفت دو کشور ایران و ونزوئلا در کنار تبادلات جدید اقتصادی، همکاری فراوانی در زمینه بازرگانی و توسعه قراردادهای تجاری ترتیب داده اند. به عنوان مثال تاسیس کمپانی مشترک نفتی و گازی بین پترالیونس و پترو پارس ایران، همچنین وجود معادن اورانیوم در نقطه مرزی ونزوئلا و گویان و ارائه خدمات فنی و مهندسی جهت استخراج، نمونه ای از همکاری هاست. با کشور چون کوبا در زمینه پزشکی، منسوجات، خودرو، بنادر و کشتیرانی، پروفیل و شیلات دارای سند همکاری جهت برقراری روابط هستند.

### ۳-۵- ایجاد قدرت انضباطی

اصولاً مهار تهدیداتی که می‌توانند تمامیت کشورها را به خطر بیندازند حیاتی‌ترین هدف دولت‌ها محسوب می‌شود. تمامیت کشوری دربرگیرنده کلیه عناصر بنیادین تشکیل دهنده هر دولت شامل سرزمین، مردم، حکومت و حاکمیت است. لذا برخورداری از موقعیت هژمونی، امنیتی و نظامی در درجه اول مستلزم تفوق قوای امنیتی نظامی و سپس مدیریت امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است. در وهله دوم اقتصاد قدرتمند جزء ضروری و کلیدی برای امنیت ملی و قوام هژمون دولت‌ها محسوب می‌شود. دولتی که در عرصه نظام بین‌الملل نتواند قابلیت‌های اقتصادی خود را به منصفه ظهور برساند با چالش‌های فراوانی روبرو خواهد بود. در جریان نئورالیستی در تعریف قدرتمندی کشورها به دو قدرت ملموس که قدرت اقتصادی و نظامی است تاکید ویژه‌ای دارند. (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۸۴) تثبیت عملی چنین سیستمی در جهان امروز به تنهایی بسیار مشکل است. جمهوری اسلامی با همبستگی قدرت‌های نوظهور مثل چین و روسیه به دنبال تقویت شاخصه‌های اقتصادی و همچنین نظامی برآمده است. بنابراین با ایجاد تفاهم‌نامه‌هایی چه در سطح منطقه مانند اپک و کاهش تولیدات نفت به عنوان یک انرژی اثرگذار و چه در سطح همسایگی مانند بریکس و شانگهای در راستای تقویت آنهاست.

سه اصل اساسی عزت، حکمت و مصلحت یک مثلث الزامی برای چهارچوب ارتباطات بین‌المللی جمهوری اسلامی است. اصل عزت به این معنا که جامعه در هیچ یک از مراودات سیاسی خود نباید به گونه‌ای حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن مسلمانان شود. اصل حکمت به معنی حکیمانه و سنجیده کار کردن است. نباید در اظهارات دیپلماتیک بدون تفکر، عملی را انجام داد که به نوعی به مبحث عقلانیت اشاره دارد که در مقاله عقلانیت انقلابی نگارنده مفصل به آن پرداخته است؛ و در بحث مصلحت، مراد مصلحت شخصی نیست بلکه ملاک مصلحت کشور و مردم و به طور کلی مصلحت همه جانبه را در بر می‌گیرد (درگاهی، ۱۳۹۹: ۱۰۱).



مبانی نظری و اصولی سیاست خارجی مبتنی بر تنش زدایی است. اما باید این را در نظر داشته باشیم که ستون اصلی آن استقلال و عدم وابستگی سیاسی است. چرا که اگر چنین موضعی در مباحث دیپلماسی مد نظر نباشد اهداف کلی سیاست خارجی که در همه دولت‌ها یکسان است مانند اعتباربخشی، تامین امنیت، توسعه اقتصادی و کسب پرستیژ جهانی دچار خلل می‌شود؛ و به عبارت دیگر اگر کشوری نتوانست در مرزهای پیرامونی خود امنیت فراهم آورد و از شرایط خارجی جهت رشد و رفاه و توسعه اقتصادی بهره برد از سیاست خارجی کارایی برخوردار نیست. (حاتمی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۷) جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست همسایگی و همگرایی برای بهینه کردن امنیت، پیشرفت اقتصادی و رشد و رفاه جامعه بهره می‌گیرد.

ساختار آنارشیک، دولت‌ها را ملزم می‌کند که برای تضمین منافع اساسی خود به دنبال قدرت باشند و سایر ارزش‌ها را در اولویت بعدی قرار دهند. هر دولت به منابع خود متکی است. دولت‌ملت به مثابه نظام خودیار تلقی می‌شود دولت نه می‌تواند برای جلوگیری از تجاوز منافع حیاتی‌اش به سایر دولت‌ها به طور کامل اعتماد کند و نه می‌تواند هنگامی که منافع حیاتی، امنیت و بقایش در معرض خطر است به کمک دولت‌های دیگر اتکا کند. این وضعیت آنارشیک به مثابه موجد و عامل مناقشه جدی و عامل بی‌اعتنایی نسبت به آرمان‌های بشردوستانه و بیانیه‌های صلح‌آمیز رهبران دولت‌ها عمل می‌کند. آنارشی را نمی‌توان از بین برد چرا که با تلاش هر روزه برای استقلال و خودمختاری دولت‌ها مورد تاکید قرار می‌گیرد. در زمان فعلی نمی‌توان صرفاً بر مبنای برداشت‌های واقع‌گرایان که صرفاً بر قدرت نظامی برای رهایی از جامعه آنارشیک تاکید دارند یک قدرت انضباطی را شکل داد نو واقع‌گرایان معتقدند که همه اشکال قدرت و نفوذ چون دانش علمی نوآوری‌های فنی رفاه اقتصادی و ارزش‌های ایدئولوژیکی و غیره را باید اثرگذار دانست بنابراین در چنین شرایطی و با توجه به در نظر گرفتن ساخت آنارشیک ملت‌ها می‌توانند برای ایجاد انضباط یک ائتلاف منطقه‌ای و همسایگی ایجاد کنند. (کلود زیچ، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

دیدگاه متفاوت جمهوری اسلامی ایران در مورد قدرت انضباطی منطقه به نگرش معطوف به قدرت و نگرش معطوف به مسئولیت است. اگرچه قدرت‌های جهانی بر مبنای مادیات شکل می‌گیرد و اساساً قدرت و دارایی خود را در ضعف دیگران می‌جویند و در مرادوات اقتصادی امنیتی

سیاسی و علمی و حتی مراودات خصوصی این ملحظه را در نظر می‌گیرند تا استقلال و آزادی عمل این کشورها را محدود سازند و به عنوان پلکان قدرت خود بهره ببرند؛ اما جمهوری اسلامی ایران رشد یک واحد اسلامی را در محیط پیرامونی خود متحد و مقوم قدرت خود می‌داند. از این رو در جهت اقتدار و هویت یابی کشورهای منطقه تلاش می‌کند. نتیجه چنین تفکری پیدایش واحد قدرتمند اسلامی در یک محیط جغرافیایی بین‌المللی است. (زارعی، ۱۴۰۲: ۲۹)

### نتیجه‌گیری

در بررسی عملکرد جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های سال‌های اخیر می‌توان به این نتیجه رسید که در جهت گسترش مناسبات خارجی و مشارکت در چارچوب سازمان‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، جهت تثبیت سیاست منزلت از بیرون ایران حرکت می‌شود. این در حالی است که با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد ایران نظیر موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، منابع عظیم انرژی و جایگاه منطقه‌ای کشورمان ضروریست برنامه منسجم‌تری برای حضور موثر منطقه‌ای و بین‌المللی بیندیشد. این مهم مستلزم جذب نیروهای متخصص، کارآمد، دلسوز با برنامه‌ریزی دقیق و تعیین هدف و استراتژی حرکت می‌باشد. سیاست‌های مقطعی کوتاه مدت می‌تواند گاهاً خسارت‌های جبران ناپذیری را متوجه منافع ملی کشور نماید. جمهوری اسلامی ایران قادر است برای اقتصاد آسیایی و حتی غیر آسیایی فرصت‌های مطلوبی را در خصوص ترانزیت کالا و انرژی فراهم آورد. تجربیات دهه‌های گذشته نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران نفوذ گسترده‌ای را میتواند ایجاد کند.

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ پیوستگی سرزمینی و برخی تشابهات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و موضوع انرژی و حتی برخی مسائل دیگر همچون رژیم حقوقی دریای خزر دارای گزینه‌های نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در نتیجه امنیت جمهوری اسلامی ایران از برخی از انواع نفوذ کشورهای پیرامونی خود و حتی غیر پیرامونی تاثیرپذیر است. موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران است که بسیاری از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به منافع خود الزاماً حضور ایران را موثر می‌دانند. به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران باید در سمتی جهت دهی شود که اتصالات اقتصادی و شریان حیاتی اقتصادی کشور نه تنها مورد چالش جدی قرار نرفته، بلکه

امنیت آن نیز تضمین گردد. نباید از نظر دور داشت که از دیدگاه کشورهای عضو شانگهای به ویژه دو قدرت متفرد آن، مسائل مورد توجه ایران، نظیر امنیت خلیج فارس و صلح خاورمیانه مورد تاکید قرار می‌گیرد.

ملاحظات سیاسی، نیازهای اقتصادی و الزامات نظامی در منطقه، جمهوری اسلامی ایران را ملزم به ایفای نقش و ایجاد معادلات جدید در قالب همگرایی و همسایگی ساخته است. منابع عظیم نفت، گاز و معادن در منطقه و همچنین موقعیت راهبردی کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی به خصوص روسیه و چین از چنان اهمیتی برخوردارند که تصمیم گیران را بر آن داشته تا با توسعه حوزه امنیتی، نفوذ سیاسی و بهره‌برداری اقتصادی مبتنی بر نظریه نظم نوین جهانی پردازند. جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل همسایگی و همگرایی در عین رقابت برای کسب موقعیت‌های اقتصادی و سیاسی بر پایه دو محور موازی و هم بستر به اشتراک مساعی با کشورهای هم پیمان سوق داده شده است.

#### فهرست منابع:

- اکبری، عابد، میر محمدی، مهدی (۱۴۰۰)، سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: الزامات و بایسته‌ها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
- امیدوارنیا، محمد جواد (۱۳۷۲)، روندهای نو و قدرت‌های آینده در آسیا پاسیفیک، تهران: انتشارات وزارت خارجه، چاپ اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، آموزش دانش سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ چهارم.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، راهبرد سیاست خارجی در توان قوای منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، ص ۲۰۶-۱۸۳.
- پورمهرانی، مهران (۱۳۸۹)، صفحه چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی، تهران: نشر نوآور، چاپ اول.
- جمالی، حسین (۱۳۸۵)، تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم: زمزم هدایت.

- حجتی، امیررضا (۱۳۹۵)، طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۹، ص ۵۲-۴۱.
- حاتمی نژاد، منصور (۱۳۸۵)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری، نشریه حصون، شماره ۱۰.
- خلیلی عراقی، سید منصور، مسعودی، ناهید (۱۳۸۵)، تئوری همگرایی و جایگاه ایران، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۶، ص ۳۳۷-۳۱۰.
- دبلیو کاکس، رابرت، ترجمه رحمانی، مهدی (۱۳۸۰)، رئالیسم نو چشم اندازی بر چند جنبه گرابی، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۲)، سیاست خارجی آمریکا در آسیا، تهران: ابرار معاصر، چاپ اول.
- درگاهی، مهدی (۱۳۹۹)، مبانی فقهی عزت، حکمت و مصلحت در تعاملات بین المللی دولت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، ص ۱۲۰-۱۰۱.
- رضایی، علیرضا (۱۴۰۰)، سیاست خارجی مطلوب دولت ابراهیم رئیسی الگوی نظم عدالت محور مبتنی بر استثنای موازنه نرم، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال پنجم، شماره ۲، ص ۴۵-۲۳.
- زارعی، سعدالله (۱۴۰۲)، جایگاه ایران در نظم جدید جهانی، نشر پاسدار اسلام، شماره ۴۸۵، ص ۳۳-۲۸.
- شیر غلامی، خلیل (۱۴۰۰)، سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران: مبانی اقتصادی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱۳، ص ۶۴-۴۹.
- فلاحزاده، محمد هادی (۱۳۸۴)، آشنایی با کشورهای اسلامی - جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی - مداخله در سیاست خارجی آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- قاضی زاده، شهرام، طالبی فر، عباس (۱۳۸۸)، سازمان همکاری شانگهای همگرایی نوین منطقه ای، تهران: انتشارات لقاء النور، چاپ اول.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: نشر سمت.

کلود زیچ، ادوارد، ترجمه پوراآخوندی، نادر (۱۳۹۰)، امنیت و روابط بین‌الملل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۳۸)، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۵)، نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.  
گوهری مقدم، ابوذر، بشیری لحاقی، میثم (۱۳۸۵)، کاربست نظریات همگرایی در طراحی مدل همگرایی منطقه ای در حوزه همسایگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲، ص ۷۸-۵۷.

گوهری مقدم، ابوذر، بشیری لحاقی، میثم، کولیوند، یونس (۱۴۰۱)، سیاست همسایگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، الگوی پیشنهادی و توصیه های سیاستی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، ص ۹۸-۷۱.

ملکی، عباس (۱۳۸۱)، مقالاتی درباره روابط بین‌الملل، تهران: نشر موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر.

منصفی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

مینایی، مهدی (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، تهران: نشر وزارت امور خارجه.  
منوچهری، عباس، تاجیک، محمدرضا، حسینی بهشتی، سید علیرضا، کوثری، مسعود، حقیقت، صادق، نجاتی حسینی، محمود (۱۳۹۲)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ ۴.

منصوری، جواد (۱۳۶۵)، نظریه به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر امیرکبیر.

موحدی قمی، محسن (۱۳۸۸)، بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای قاره آفریقا، پژوهشنامه آفریقا، شماره ۱، ص ۹۶-۶۵.